

نشریه ادب و زبان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان
سال ۱۸، شماره ۳۷، بهار و تابستان ۹۴

بررسی وزن‌های شبه‌دوری (علمی - پژوهشی)*

دکتر مجید سرمدی
استادیار دانشگاه پیام نور مرکز کرج
مهدی شعبانی
دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی پیام نور کرج

چکیده

وزن دوری، وزن متناوبی است که هر مصراع آن، به دو نیم‌مصراع متوازن تقسیم می‌شود تا بتوان هجای پایانی رکن دوم را کشیده آورد؛ در عروض، وزن‌های متناوبی هستند که با داشتن ظاهر دوری، غیردوری گرفته شده‌اند؛ مانند فعالتن مفاعلهن دوبار (U U - - U - U -)، در این بیت مولوی (۱۳۸۵: ۳۸۸): "چو پُرس از محبتش دل آن عالم خلأ* که درختش ز سُکرِ دوست، سراسر زبان شود." این اوزان به ندرت دوری آمده‌اند. اوزان شبه‌دوری، یک ویژگی مشترک دارند که در علم موسیقی قدیم (مانند رسائل اخوان الصفا و المعجم شمس قیس)، به آن "ضعف" گفته شده است؛ یعنی دو برابر بودن کمیت هجایی و چون هجای بلند، دو برابر هجای کوتاه است، در هر نیم‌مصراعی که از ۴ هجای کوتاه و ۴ هجای بلند تشکیل شده باشد، نسبت ضعف برقرار است و بیشتر شعرا، این اوزان را به دلیل ریتم تند، غیردوری گرفته‌اند تا ظرایف موسیقایی این نوع خاص از وزن، رعایت شود. این کاربرد دوسویه (دوری و غیردوری گرفتن) این نوع اوزان و خلط آنها با وزن دوری در کتب عروض، ایجاب می‌کند که آنها را شناسایی و از

* تاریخ ارسال مقاله: ۹۳/۴/۸

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۹۴/۳/۶

ms1_ir@yahoo.com

shabani364@yahoo.co

نشانی پست الکترونیک نویسندگان:

وزن دوری مطلق تفکیک کرد. اوزان شبه‌دوری که در کتب عروض و دیوان شعرا آمده است، ۸ وزن است: فعلاتن مفاعلن، فاعلات مفتعلن، مفاعیل مفتعلن، فاعلات مفاعلن، فعلاتن مفاعلن، مفاعلن فعلاتن، فعلات فاعلاتن، مفاعلن مفتعلن و مفتعلن مفاعلن (همگی با قید دوبار). شیوه پژوهش، بدین شکل است که ابتدا وزن‌های شبه‌دوری، از دستگاه عروضی خانلری، استخراج و برای هر یک مثالی از شعرا، ذکر شده و سپس، نظرات مطرح پیرامون موضوع، بررسی گردیده است.

واژه‌های کلیدی: وزن دوری، شبه‌دوری، ضَعَف، متناوب، نیم‌مصراع.

۱- مقدمه

وزن عروضی به‌عنوان موسیقی بیرونی شعر، از نظام‌های مختلف آوایی تشکیل شده است که جهت آموزش و نیز استفاده از این نظام‌های آوایی، ناچار نیازمند دسته‌بندی‌های علمی و منطقی هستیم. عروضیان برای تقسیم‌بندی وزن‌ها از روش‌های علمی متنوعی بهره گرفته‌اند که با مروری در دستگاه‌های مختلف عروضی، به انواع این دسته‌بندی‌ها برمی‌خوریم؛ برای نمونه، می‌توان به تقسیم اوزان بر متناوب الارکان و متفق الارکان اشاره کرد یا دسته‌بندی اوزان بر اساس تعداد ارکان، از قبیل مربع و مسدس و مثنی نیز بر پایه نام بحور و... اما مسئله‌ای که در تمام این دستگاه‌های عروضی مشهود است، تفکیک نشدن علمی وزن‌های دوری از غیر دوری است زیرا در تقسیم اوزان، لاجرم با وزن‌های دوری مواجه می‌شویم اما در این میان اوزانی هستند که علی‌رغم ظاهر دوری، گاه از سوی شعرا غیردوری تلقی شده‌اند و این نکته، ضرورت دسته‌بندی علمی اوزان را دوچندان می‌کند. این تفکیک اگر به صورت علمی اجرا شود، خود می‌تواند دسته‌بندی جدید و قاعده‌مندی در تقسیم اوزان به شمار آید. خلط وزن دوری با غیردوری، ریشه در نشناختن وزن‌های شبه‌دوری دارد که این وزن‌ها در ادامه، بیان و بررسی شده است.

۱-۱ بیان مسئله

ویژگی بارز وزن دوری که عروضیان در آن اتفاق نظر دارند، این است که وزن دوری، وزن متناوب‌الارکانی است که هر مصراع آن، به دو نیم‌مصراع متوازن تقسیم می‌شود و می‌توان در میانه مصراع، قاعده پایانبندی مصراع غیردوری را لحاظ کرد و هجای کشیده آورد. این وزن که مختص شعر فارسی است، مورد بحث برخی عروضیان بوده است اما چیزی که اکثر عروضیان از آن غافل بوده‌اند، این است که برخی از اوزان متناوب را گاه

شاعران، غیردوری گرفته‌اند. این وزن‌ها در این مقاله، تحت عنوان شبه‌دوری معرفی شده‌اند؛ مانند وزن "فعلاتن مفاعلن دوبار" که متناوب الارکان است اما گاه دوری گرفته نشده است: چو پرست از محبتش دل آن عالم خلأ * که درختش ز شکر دوست سراسر زبان شود (مولوی: ۱۳۸۵: ۳۸۸) که در همین غزل، این وزن را در بیت دیگری دوری آورده است: چو سر از خاک برزند / ز درختان ندا رسد * که تو هر چه عیان کنی همه روزی عیان شود.

این مقاله قرار است به این پرسش‌ها پاسخ دهد:

- الف: چرا گاه، شاعران با برخی از وزن‌های متناوب، به شکل غیردوری برخورد کرده‌اند، حال آنکه می‌توانسته‌اند دوری بگیرند؟
- ب: روش تشخیص این وزن‌های شبه‌دوری چیست و چه وزن‌هایی، ظاهر دوری دارند؟
- ج: چه تعداد از این اوزان در عروض کاربرد دارد؟
- فرضیه‌ها:

الف: فرضیه‌ای که حدس زده می‌شود، این است که وزن‌های متناوبی که ریتم تندی داشته باشند، چندان مناسب وزن دوری نیستند و علی‌رغم متناوب بودن، شاعران با توجه به ریتم تند این اوزان، از آوردن هجای کشیده در میانه مصراع و تبدیل آن به وزن دوری چشم‌پوشی کرده‌اند زیرا مکث در وسط مصراع شبه‌دوری چندان حس نمی‌شود.

ب- ج: وزن‌های شبه‌دوری، به‌طور حتم تعداد مشخصی از اوزان هستند و ویژگی مشترکی دارند که با شناخت این ویژگی می‌توان آنها را از وزن دوری مطلق، تشخیص داد.

۱-۲- پیشینه پژوهش

در باب کمّ و کیف وزن‌های در ظاهر دوری، دو تحقیق قابل توجه صورت گرفته است:

–مقاله "درباره طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی"، ابوالحسن نجفی، مجله "آشنایی با دانش"، دانشگاه آزاد ایران، ش ۷، ۱۳۵۹: صص ۵۹۱ – ۶۲۵.

مؤلف، از صص ۶۰۵ – ۶۱۳، ضمن نقد روش‌های عروضیان در طبقه‌بندی اوزان، به اوزان دوری پرداخته و علت ناکارآمدی روش‌های دستگاه‌های عروضی را ندادن تشخیص اوزان دوری و اوزان مشابه دوری از سوی عروضیان دانسته و نوشته است: «منشأ این اشتباهات یا اختلافات... که گرفتاری بزرگ عروض سنتی و اکثر کتاب‌های عروض بوده

است، در خلط وزن دوری با وزن غیردوری است.» (نجفی، ۱۳۵۹: ۶۰۵) استاد نجفی خود به غیر علمی بودن روشش معترف است زیرا ملاک را سمع و احساس قرار داده است. (همان: ۶۰۹)

ایشان درباره لفظ دوری در عروض سنتی، به درستی - چنان که در اثنای مقاله خواهام دید - معتقد است که عروض قدیم، بحث را چندان باز نکرده است. وی بیش از همه، روی کلام خواجه نصیرالدین طوسی در معیارالشعار (قرن هفتم) تأکید دارد. (همان: ۶۰۸)

در عبارتی از خواجه نصیر که در مورد آوردن قافیه میانی است، دو اصطلاح "دور" و "چهارخانه" قابل توجه است: «باشد که [قافیه را] در دورها که اجزاء یک بیت باشد، اعتبار (لحاظ) کنند؛ مانند مسمطات چهارخانه و غیر آن.» (خواجه نصیر طوسی، ۱۳۶۹: ۲۳) در این کلام خواجه نصیر، عبارت "غیر آن" نشان می دهد که غیر از مسمط، هر قالبی در هر وزنی (-مانند اوزان سالم) - را نیز مدنظر دارد زیرا تأکید روی قافیه درونی است، نه وزن خاصی و نیز نوشته است: «مراد از دورها، یا مصراعهاست در مثنوی یا بیتهاست در قطعه و قصیده.» (همان) با نظر به این که خود وی، دور را "مصراع و بیت" می داند و نمی گوید چه نوع بیتی، پس نمی توان دور را وزن دوری امروزی قلمداد کرد زیرا تأکید وی در سجع میانی بیت است که در هر وزنی، ممکن است رخ دهد.

استاد نجفی معتقد است، بین دوری و متناوب، نسبت عموم و خصوص من وجه برقرار است: «وزن دوری باید متناوب باشد، با این همه، هر وزن متناوبی، دوری نیست؛ مثل مفاعلهن فعلاطن دوبار، فعلاطن فاعلاطن دوبار و مفاعلهن مفتعلن دوبار» (همان: ۶۰۶) زیرا شرط دوری بودن را ندارد و در باب شرایط وزن دوری نوشته است: «شرط اول، این است که در میان مصراع، وقف یا سکوتی باشد که آن را به دو پاره هم وزن تقسیم کند. شرط دوم، این است که قواعد پایان بندی مصراع، در محل وقف یا سکوت نیز صدق کند؛ وقف یا سکوت، تنها از لحاظ وزن شعر نیست بلکه مهم تر از آن، از لحاظ کلام شعر است؛ یعنی کلمه نیز در محل وقف باید تمام باشد» (همان) اما شاعرانی هستند که در وزن دوری، این شرط را رعایت نکرده اند:

تا به کی این زن / جوشد و کوشد طفل بد خواب / او چه می نوشد

(نیما یوشیج، ۱۳۸۳: ۱۲۰)

استاد نجفی در ادامه می‌نویسد: «اگر بتوانیم یک هجای کشیده، به جای هجای پایانی یکی از پاره‌های نخست مصراع‌ها قرار دهیم و وزن آن را گوش بپذیرد، می‌توانیم وزن آن قطعه شعر را دوری بدانیم...؛ به طور مثال نمی‌توان گفت: ملکا ذکر تو گوئیم که تو پاکی و خدایی؛ پس این وزن دوری نیست... اشکال این جواب، این است که ملاک را بر تشخیصِ سمع و احساس قرار داده‌ایم و نه بر ضوابط عینی.» (نجفی، همان: ۶۰۹)

به اعتراف خود ایشان، روش فوق قانع‌کننده نیست زیرا هوش موسیقایی افراد نسبی است؛ پس بایسته می‌نماید که روش علمی‌تری ارائه شود.

-مقاله "بررسی اوزان دوری"، تقی وحیدیان کامیار، در مجموعه مقالات تحقیقی علمی "فرخنده‌پیام/ یادگارنامه استاد غلام‌حسین یوسفی"، دانشگاه مشهد، ۱۳۶۰: صص ۴۸۷-۵۰۳.

وی برای تعیین دوری بودن وزن، "عدم تقطیع وزن دوری به اوزان یکسان با افاعیل مختلف" را راه‌حل می‌داند و می‌نویسد: «هر وزنی را در صورت تطبیق با هجاها، به صورت‌های مختلف [نیز] می‌توان تقطیع کرد» (وحیدیان، ۱۳۶۰: ۴۹۲)؛ به عبارتی، «هر وزنی را به صورت‌های متفاوت می‌توان تقطیع کرد اما وزن دوری را نمی‌توان.» (وحیدیان، همان: ۴۹۳)

با تکیه بر این معیار، اوزان متناوبی مثل وزن زیر را که در ظاهر دوری‌اند، از آنجا که می‌توانیم به اشکال مختلف تقطیع کنیم، پس غیردوری می‌دانیم: "فعلاتن فاعلاتن فعلات فاعلاتن: فعلاتن فعولات مفاعلن فعولن یا متفاعلن مفاعیل مفاعلن فعولن و تقطیع‌های هم‌وزن دیگر.

وی با این استدلال، این وزن و سایر اوزان شبه‌دوری، مثل "مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلاتن، مفتعلن مفاعلن مفتعلن مفاعلن" را غیردوری می‌داند و معتقد است که دکترخانلری آنها را به خطا دوری پنداشته است. (همان: ۴۹۱)

روش استاد وحیدیان، علمی است اما برای همه آسان نیست؛ در ضمن این روش، خود ایشان را نیز قانع نکرده‌است زیرا وزن "فعلاتن مفاعلن دوبار" را که با استدلال ایشان غیردوری است و می‌توان بر افاعیل "متفاعلن مفاعیل مفاعلن فعولن" هم تقطیع کرد، ایشان به دلیل شبه دوری بودن، دوری دانسته‌اند و در انتهای مقاله شان در فهرست اوزان دوری آورده‌اند. (ر.ک: وحیدیان، همان: ۵۰۰)

۱-۳- ضرورت و اهمیت تحقیق

بازتعریف وزن دوری و روش تشخیص آن از وزن شبه‌دوری، از مباحث مهم عروضی است زیرا ما در کتب عروض، اوزان شبه‌دوری را به‌عنوان دوری می‌شناسیم اما در دیوان شاعران می‌بینیم که گاه به شکل غیردوری هم آمده‌اند. با دستیابی به روش علمی در این مسئله، می‌توان در تقسیم‌بندی اوزان در دستگاه‌های عروضی، منطقی‌تر عمل کرد؛ از همین رو، در این پژوهش کوشش شده است آسان‌ترین و علمی‌ترین روش تشخیص اوزان شبه‌دوری ارائه و تعدادشان معرفی شود.

۲- بحث

۲-۱ اوزان‌های شبه‌دوری

در بین اوزانی که ظاهر متناوبی دارند ولی برخی شاعران آنها را غیر دوری گرفته‌اند، ۸ وزن زیر از شهرت بیشتری برخوردارند. این اوزان، به‌طور پراکنده در کتاب عروضی خانلری "وزن شعر فارسی، ۱۳۸۶، تهران: توس" در صفحات ۲۳۴، ۲۴۹، ۲۳۲، ۲۳۵، ۲۳۷ و ۲۳۸ آمده است. ایشان این وزن‌های شبه‌دوری را با علامت جداساز || در میانهٔ مصراع و نیز با قید اضافهٔ "دوبار" معرفی کرده‌اند و تأکید بر دوری بودن آن‌ها دارند. برای نام‌گذاری بحرهای اوزان زیر از کتاب "وزن شناسی و عروض" ایرج کابلی (۱۳۷۶، تهران: آگه: ۴۲۷ تا ۴۳۷) استفاده شده است.

- ۱- فاعلات مفتعلن دوبار؛ مقتضب مثنی مطوی: (U U - U - U - U - U)

غیرتم صلازد و گفت / دامنی بز به میان
تا به کی فرومانده / در طلسم حرمانی (حزین لاهجی، ۱۳۷۸: ۵۴۹)

- ۲- مفاعیل مفتعلن دوبار؛ مقتضب مثنی مخبون: (U - - U - U - U)

همی دل ز من ببرد / یکی کودکی سفری
مرا جان ز فرقت او / بخواهد شدن سپری (خانلری، ۱۳۸۶: ۲۴۹)

- ۳- فاعلات مفاعیلن دوبار؛ مشاکل مکفوف مقبوض: (U - U U - U - U)

ای ز روی نکوی تو / گشته ماه فلک خجل

وی ز زلف شکسته‌ات / دل شکسته ز عاشقان (همان)

۴- **فعلاتن مفاعلن دوبار؛ خفیف مئمن مخبون:** (U - U - - U - U)
(U)

چو سر از خاک برزنند / ز درختان ندا رسد

که تو هرچه عیان کنی / همه روزی عیان شود (مولوی، همان)

۵- **مفاعلن فعلاتن دوبار؛ مجتث مئمن مخبون:** (U - U - U - U - - U)
(U)

مده به دست فراق / دل مرا که نشاید

مکش تو کشته خود را / مکن بتا که نشاید (مولوی، همان: ۳۶۵)

۶- **فعلات فاعلاتن دوبار؛ رمل مئمن مشکول:** (U - U - U - - U - U)
(U)

هله عاشقان بکوشید / که چو جسم و جان نمآند

دل‌تان به چرخ پرد / چو بدن گران نمآند (همان: ۳۱۷)

۷- **مفاعلن مفتعلن دوبار؛ رجز مئمن مخبون مطوی:** (U - U - - U - U - U)
(U - U)

پیام کرده است به من / بلهوسی طنطنی

که تو به مدح ملکان / نه از قیاس چو منی (شمیسا، ۱۳۸۶ الف: ۱۵۰)

۸- **مفتعلن مفاعلن دوبار؛ رجز مئمن مطوی مخبون:** (U - U - - U - U - U - U)
(U U -)

بسته زلف اوست دل / ای دل از آن کیست او؟

خسته چشم اوست جان / مرهم جان کیست او؟ (خاقانی، ۱۳۷۳: ۶۵۸)

با توجه به شواهد زیر، ۳ وزن شماره‌های ۴، ۵ و ۶ را در بین هشت وزن فوق می‌بینیم

که از سوی شعرا غیردوری تلقی شده است.

مثال برای نوع غیر دروی، وزن شماره ۴:

فعلاتن مفاعلن فعلاتن مفاعلن:

چو پرست از محبتش دل آن عالم خلأ

که درختش ز شکر دوست سراسر زبان شود (مولوی، همان: ۳۸۸)

مثال برای نوع غیردوری، وزن شماره ۵:

مفاعِلن فَعَلاتِن مفاعِلن فَعَلاتِن:

خیال نقش تو در کارگاه دیده کشیدم

به صورت تو نگاری نه دیدم و نه شنیدم (حافظ، ۱۳۷۷: غ ۳۲۲)

سوار من به سفر شد نگار من به سفر شد

دلَم که فتنه او بود باز زیروزبر شد (شمس قیس رازی، ۱۳۸۸: ۱۷۸)

مثال برای نوع غیر دوری، وزن شماره ۶:

فَعَلاتِن فاعلاتِن فَعَلاتِن فاعلاتِن:

مژۀ سیاهت ار کرد به خون ما اشارت

ز فریب او بیندیش و غلط مکن نگارا (حافظ، همان: غ ۶)

این بیت از همان غزل است که شهریار به استقبال آن رفته است، در غزل معروفی با مطلع "علی ای همای رحمت، تو چه آیتی خدا را..." (شهریار، ۱۳۷۷ ج ۱: ۶۹) که از یک مصراعش پیداست که شاعر، این وزن را دوری تلقی کرده است: نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت...

۲-۲ توجه به وزن دوری در برخی کتب عروضی مهم معاصر

به جز دکتر وحیدیان و استاد نجفی که خلاصه نظراتشان در پیشینه شرح داده شد، کسی اشاره‌ای به شبه‌دوری بودن اوزان هشتگانه فوق نکرده است، اما لازم است به عروضیانی که توجه خاصی به وزن دوری و لفظ "دور" دارند، اشاره مختصری گردد:

۲-۲-۱ نظر الول ساتن (Elwell-Sutten) مؤلف "The persian Metres"

استاد نجفی نوشته است: «او به‌طور تقریبی، هر وزنی را که از ۴ پایه [نیم مصراع] متشابه - چه مکرر و چه متناوب- تشکیل شده باشد دوری می‌شمارد.» (نجفی، همان: ۶۲۰) ذکر نمونه‌های خلط وزن دوری و غیردوری در دستگاه عروضی وی، بحث را به درازا می‌کشاند؛ موارد فراوانی از آن در مقاله استاد نجفی آمده است. در اثبات این اختلاط

می‌توان به دو اصطلاح "مکرر" و "دوپاره" (Mukarrar / Du-para) در کلام وی، ذیل بحث از اوزان دوری و اوصاف آنها اشاره و بسنده کرد. (ر.ک: ساتن، ۱۹۷۶: ۴۲)

۲-۲-۲ دیدگاه پرویز ناتل خانلری در "وزن شعر فارسی"

وی بدون توجه به مثال‌هایی شبیه سه بیت فوق، درباره‌ی دوری بودن هشت وزن فوق شکی ندارد. دکترخانلری در استناد به لفظ "دور"، ارجاع داده است به «نفایس الفنون فی عرایس العیون از شمس‌الدین محمد آملی (قرن هشتم)، [جلد ۳] قسم ۲، مقاله ۳، [فن ۴: موسیقی، باب ۵] ص ۱۱۰ و نیز دره‌التاج، بخش ۲، فن ۴، مقاله ۵: در ایقاع و ادوار آن». (خانلری، همان: ۱۱۹).

در دره‌التاج قطب‌الدین محمود شیرازی (۱۳۷۳)، بخشی با عنوان "فن ۴، مقاله ۵" وجود ندارد و نیز فصل‌بندی دره‌التاج، فصلی و اصلی است، نه بخشی و مقاله‌ای؛ پیداست که ایشان در ارجاع به منبع دچار لغزش شده است زیرا عبارت "در ایقاع و ادوار آن"، همان است که در ص ۱۱۰ نفایس الفنون آمده است و آن، این است: «عجم را ضربی است که آن را "دور فاختی" نام نهند، بر وزن "مفتعلن فعلن دوبار" و زیاده بر این دوایر، مستعمل و مشهورند.» (آملی، ۱۳۳۶: ۱۱۰)

"دور یا سور یا ضرب فاختی/فاخته" که اصل یازدهم از اصول هفده‌گانه‌ی موسیقی قدیم است (دهخدا: ذیل فاخته)، ضرباهنگی بوده است بر وزن دوری "مفتعلن فعلن دوبار" و آملی معتقد است که آهنگ‌های زیادی بر اوزانی مثل آن "دور" کاربرد داشته و معروف بوده است. (آملی، همان) لذا دور در معنی دورگرفتن، ضرباهنگ و ریتم است. در المنجد، یکی از معانی "الدور"، قطعاً دوییتی یا بیشترآمده است و نوشته است "علم الادوار"، علمی در موسیقی است. (المنجد: ذیل الدور)

۲-۲-۳ نظر شیرویس شمیسا در "آشنایی با عروض و قافیه"

دکتر شمیسا تمام اوزان متناوب را دوری می‌داند و در برخورد با شبه‌دوری‌ها می‌نویسد: گاهی مکث با پایان کلام مقارن نیست: چه خیال‌ها گذرکر/ د و گذرنکرد خوابی. (شمیسا، ۱۳۸۶: ب: ۷۱) وی در پاورقی همان مطلب، علاوه بر مورد فوق که وزن آن مفاعلهن فعالتن دوبار است، "فعالتن مفاعلهن" و "مفتعلن مفاعلهن" را هم دوری دانسته است.

در جای دیگری از حواشی خود بر تصحیح المعجم، حتی وزن بیتی بر هزج سالم (مفاعیلن چهاربار) را دوری پنداشته است: «جهان پر خوب رویانند آن کن کت روا باشد... وزن دوری است.» (شمس قیس، همان: ۵۳۴)

ایشان در تتبع به کلمه دوری، در حاشیه قسمتی از "المعجم فی معاییر اشعار العجم شمس قیس رازی" که لفظ "دوران" آمده است نوشته است: «این اصطلاح، مهم و قابل توجه است؛ همان است که امروز وزن دوری می‌گوییم، یعنی [وزن] پاره اول مصراع در پاره دوم تکرار شود.» (شمس قیس، همان: ۵۶۱)

۲-۲-۴ اشاره شمس قیس به "تساوی هجایی"، ویژگی منحصر اوزان

شبه‌دوری

شمس قیس در بحثی که پیرامون تناسب ارکان و تعداد هجاهاست، نوشته است: «دوران - که موجب غلبه ظن است - گواهی می‌دهد در جمیع صور اوزان [که] "اتفاق اجزاء و تناسب نظم ارکان و تعادل متحرکات و سواکن آن"، علت عذوبت شعر است.» (شمس قیس، همان: ۱۱۶)

با دقت در کلام وی، باید دوران را تناوب و تکرار نظم و تعادل هجاها دانست، نه صرف تناوب ارکان زیرا به اوزان سالم و دارای قافیه میانی یا وزن‌های شبه‌دوری که نوعی دور و تناوب دارند نیز قابل تعمیم است؛ صحبت از "دورانی" است که موجب عذوبت و مطبوع شدن آن دسته از اشعاری می‌شود که به عقیده شمس قیس، در وزن آنها، اجزاء و ارکان، هماهنگ و متناسب بوده و نیز متحرکات و سواکن (مصوت‌ها و صامت‌ها یا به زبان عروض جدید: هجاهای بلند و کوتاه)، متعادل (برابر) باشد. پس منظور از "دوران"، فقط دوری نیست.

جالب توجه این که مثال‌هایی که وی ذیل این بحث به دست می‌دهد، همه شبه‌دوری است نه دوری مطلق: «چنان که در بحر رمل گویند: نه تو گفتی ار نگفتی من از این خبر ندارم، بر وزن فعلات فاعلاتن و در بحر مجتث گویند: "اگر مرا غم عشقت به کام دل برساند"، بر وزن "مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلاتن". درباره "مفتعلن مفاعلن مفتعلن مفاعلن" هم می‌گوید: چون اجزاء، موافق یکدیگرند، مقبول طباع است.» (همان: ۱۱۴)

شمس قیس، تعادلی را که در این اوزان شبه‌دوری باعث مطبوع و مستعذب شدن بیت می‌شود، در یکسان بودن تعداد هجاهای کوتاه و بلند می‌داند و از آن، به‌عنوان نسبت ضِعف (مضاعف) به معنی شود چندان یاد کرده و گفته است:

[در مثال‌های فوق] وزن، مرکب است از [دو بار] ۸ متحرک و ۴ ساکن و نسبت ۸ و ۴، نسبت ضِعف است. لاجرم اوزان، مطبوع و اشعار، مستعذب است. (همان: ۱۱۶) «غایت آنچه اشعار پارسی از زیادتِ متحرکات بر سواکن احتمال کند، نسبت "ضِعف" است که صحیح‌ترین نسب است و آن را در علم موسیقی، "الزاید بالکل" خوانند و "مضاعف ثنوی" (دوچندان کردن) نیز گویند. (همان: ۱۱۵)

پیش از المعجم، در رسائل اخوان‌الصفاء (قرن چهارم) نیز در مقالاتی دربارهٔ نسبت‌های خمسۀ عددی در علوم ریاضی، موسیقی و هندسه بحث شده و در آن میان از نسبت "ضِعف" و "ضِعف و الزاید جُزئاً" (ضعف و زیادتِ نصفی) سخن رفته است که نشان از مدافقهٔ علمای موسیقی و عروض در رعایت تناسبات کمی و کیفی هجاها در اوزان دارد، بویژه آنجا که نسبت ضعف را نسبت افضل گفته‌اند. (رک: اخوان‌الصفاء و خَلان‌الوفا، به همت شیخ نورالدین بن جیواخان، بمبئی، ۱۳۰۵ش، ج ۱، رساله ۶: فی نسبۀ العددیۀ و الهندسیۀ: ۱۴۴ به بعد)

اگر فرض کنیم که منظور از دوران در کلام شمس قیس، فقط اوزان دوری است، باید تناسب و تعادلی را که در مثال‌های شمس‌قیس (ذیل دوران) دیده می‌شود، در اوزان دوری نیز ببینیم، در صورتی که چنین نیست و حتی در مورد اوزان سالم متناوبی مثل "مفاعیلن فاعلاتن دوبار (بحر اصلی مضارع)" که در دوری بودن آنها شکی نیست، نوشته است: «بر سوالم هیچ‌یک از بحور دایرهٔ مشتبهه، شعر پارسی البته خوش نیاید؛ چه هم در ترکیب اجزا، مختلف‌اند و هم در نظم ارکان، نامتناسب.» (شمس قیس، همان: ۱۱۴) می‌بینیم که وی توزیع هجاها و ارکان را در اوزانی این چنین که دوری هستند، نامتناسب و مخل نظم می‌بیند. پس تعبیر شمس‌قیس از "دوران"، خلاف تعبیر امروزی از "دوری" است زیرا در وزن دوری، افزودن هجای کوتاه به وسط مصراع، دخلی در نظم ندارد.

خلاصهٔ کلام شمس قیس اینکه مفهوم سخن وی به زبان عروض جدید، این است که: اوزانی مانند سه وزن متناوب‌الارکانی که او مثال زده است، از تکرار دو رکن متناوب

ساخته شده است که این ۲ رکن، در مجموع از ۴ هجای کوتاه (ساکن) و ۴ هجای بلند (متحرک + ساکن) متشکل اند و مساوی بودن تعداد هجای کوتاه با هجاهای بلند را "ضعف کامل" می‌نامد و هرگونه کم و زیادی را در این نظم، مخلاً می‌داند. در واقع، چون هر هجای بلند (سبب خفیف یا متحرک + ساکن) برابر است با دو هجای کوتاه (سبب ثقیل یا دو ساکن)، توزیع هجایی این اوزان به این شکل است که تعداد هجاهای کوتاه و بلند برابر است؛ یعنی، یک وزن متناوب مثنی، دارای ۸ هجای بلند و ۸ هجای کوتاه و به زبان عروض قدیم، ۱۶ متحرک و ۸ ساکن. پس بهتر است که با پیروی از گروهی که این اوزان را دوری نگرفته‌اند، این وزن‌ها را به‌طور غیردوری به کار برد تا موسیقی شعر حفظ شود.

۳- نتیجه گیری

وزن دوری، وزن متناوب‌الارکانی است در قالب (الف ب / الف ب) که هر مصراع آن، به دو نیم‌مصراع هم‌وزن تقسیم می‌شود و در آن، شاعر مجاز است که آخرین هجای رکن دوم را کشیده بیاورد تا در وسط مصراع، مکث ایجاد شود. در این میان، وزن‌های متناوبی هستند که بهتر است آنها را وزن‌های شبه‌دوری نامید. این اوزان یک ویژگی مشترک دارند که در علم موسیقی قدیم، مانند کتب المعجم شمس قیس و رسائل اخوان‌الصفاء به آن "ضعف" یا تساوی هجایی گفته می‌شده و آن عبارت از این است که هر نیم مصراع، از ۴ هجای کوتاه و ۴ هجای بلند تشکیل شده است و اکثر شاعران، این اوزان را به دلیل ریتم تند و عدم مکث در وسط شعر، غیردوری گرفته‌اند تا موسیقی کلام بیشتر حفظ شود؛ مانند‌فعالتن مفاعلهن دوبار:

چو پُرسست از محبتش دل آن عالم خلأ که درختش ز شکر دوست سراسر زبان شود
و به‌ندرت، این اوزان را دوری گرفته‌اند؛ به‌طور مثال، در همان غزل [بر همان وزن]،
مولوی بیت زیر را دوری آورده است:

چو سر از خاک برزنند / ز درختان ندا رسد که تو هر چه عیان کنی همه روزی عیان شود
تعداد اوزان شبه‌دوری که در کتاب‌های عروضی و دیوان شاعران آمده است، ۸ وزن است: فاعلات مفتعلن دوبار، مفاعیل مفتعلن دوبار، فاعلات مفاعلهن دوبار، فاعلاتن مفاعلهن دوبار، مفاعلهن فعالتن دوبار، فعلات فاعلاتن دوبار، مفاعلهن مفتعلن دوبار و مفتعلن مفاعلهن دوبار.

فهرست منابع

- ۱- آملی، شمس‌الدین. (۱۳۳۶). **نفايس الفنون**. به همت ابوالحسن شعرانی. تهران: کتاب فروشی اسلامیة.
- ۱- حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد. (۱۳۷۷). **دیوان**. تصحیح قزوینی و غنی. تهران: نغمه.
- ۲- خواجه نصیرالدین طوسی. (۱۳۶۹). **معیار الاشعار**. تصحیح جلیل تجلیل. تهران: جامی.
- ۳- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۳۶). **لغت نامه**. تهران: انتشارات مجلس شورای ملی.
- ۴- رسائل اخوان‌الصفاء و خَلان الوفاء. (۱۳۰۵). به همت شیخ نورالدین ابن جیواخان. بمبئی (چاپ سنگی).
- ۵- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۶ الف). **فرهنگ عروضی**. ویرایش چهارم. تهران: علم.
- ۶- (۱۳۸۶ ب). **آشنایی با عروض و قافیه**. چاپ دوم. تهران: میترا.
- ۷- شمس‌قیس رازی. (۱۳۸۸). **المعجم فی معاییر اشعار العجم**. تصحیح سیروس شمیسا. تهران: علم.
- ۸- شهریار، محمدحسین. (۱۳۷۷). **دیوان**. تهران: نگاه.
- ۹- قطب‌الدین، محمود شیرازی. (۱۳۷۳). **دره‌التاج**. تصحیح سید محمد مشکوة. تهران: نشر حکمت.
- ۱۰- کابلی، ایرج. (۱۳۷۶). **وزن شناسی و عروض**. تهران: آگه.
- ۱۱- لاهیجی، محمدحزین. (۱۳۷۸). **دیوان**. تصحیح ذبیح‌الله صاحبکار. تهران: سایه.
- ۱۲- معلوف، لویس. (۱۳۶۵). **المنجد فی اللغة و الاعلام**. چاپ دوم. تهران: اسماعیلیان.

- ۱۳- مولوی ، جلال‌الدین محمد. (۱۳۸۵). **کلیات شمس تبریزی**. تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر. چاپ نوزدهم. تهران: امیرکبیر.
- ۱۴- ناتل خانلری، پرویز. (۱۳۸۶). **وزن شعر فارسی**. چاپ هفتم. تهران: توس.
- ۱۵- نجفی، ابوالحسن. (۱۳۵۹). "درباره طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی". مجله آشنایی با دانش. دانشگاه آزاد ایران شماره پیاپی ۷. صص ۵۹۱-۶۲۵.
- ۱۶- نیما یوشیج، (۱۳۸۳). **مجموعه اشعار**. به کوشش سیروس طاهباز. چاپ ششم. تهران: نگاه.
- ۱۷- وحیدیان کامیار، تقی. (۱۳۶۰). "**بررسی اوزان دوری**". مجموعه مقالات فرخنده‌پیام، یادگارنامه استاد غلامحسین یوسفی. دانشگاه مشهد. صص ۴۸۷-۵۰۳.

- Elwell-Sutton, Laurence Paul. (1976). *The Persian Metres*. London: Cambridge University press.

